

تبیین جامعه‌شناختی صور مختلف مشارکت در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن

علیرضا محسنی تبریزی^۱، حسین آقاجانی^۲، اقباله عزیزخانی^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین جامعه‌شناختی صور مختلف مشارکت (اجتماعی، سیاسی، روانی، فرهنگی و اقتصادی) در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن انجام شده است. در این پژوهش آنچه مورد توجه است، ضرورت اهمیت دادن به ابعاد مشارکت است. چارچوب نظری و مدل نظری با استفاده از نظریه‌ی نظریه‌پردازی همچون تالکوت پارسونز، لیپست، هابرماس، دوتوکویل، لرنر، روستو و... ارائه شد. این پژوهش به روش پیمایشی انجام شد، از اعتبار صوری و سازه‌ای استفاده شد و قابلیت اعتماد نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به دست آمد. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر خلخال هستند که تعدادشان طبق آمار اداره‌ی ثبت احوال ۳۶۰۰۰ نفر است. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب گردید. در تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از دو شیوه‌ی آمار توصیفی و استنباطی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، پس از تهیه‌ی جدول ماتریس، اطلاعات در قالب جداول یک‌بعدی و دوبعدی تنظیم شد. یافته‌های پژوهش نشانگر این بودند که متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی، رسانه‌های جمعی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی با متغیر وابسته مشارکت رابطه‌ی معناداری دارد.

mohsenit@ut.ac.ir

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۲- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

۳- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

azizkhani_aukh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۴

تاریخ وصول: ۹۴/۱۲/۱۷

واژگان کلیدی: مشارکت اجتماعی، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی، رسانه‌های جمعی.

بیان مسأله

مشارکت عبارتست از فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و یا روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی سهم می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۳: ۱۰). پدیده‌ی مشارکت یکی از مهم‌ترین ابعاد توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی فرهنگی، توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی سیاسی در هر جامعه و خصوصاً جامعه‌ی رو به رشد ایران است و برخی از مشکلات ساختاری و عملکرد برنامه‌های توسعه، ناشی از نارسایی‌های است که در این حوزه داریم. آنچه در این میان بر مسائل موجود می‌افزاید این است که نه مفهوم مشارکت و ابعاد آن در جامعه‌ی ما به خوبی تعریف شده است و نه عوامل تقویت‌کننده و یا در طیف دیگر تضعیف‌کننده‌ی آن موضوع مورد بررسی جدی قرار گرفته است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۱).

مشارکت بعنوان یکی از مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی از ارکان اصلی هر نظام دموکراتیک است. در واقع دوام و قوام دموکراسی به مشارکت همه‌آحاد و افراد جامعه در امور مسائل مربوط به حیات اجتماعی خودشان است. این مفهوم با آنکه مانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی و رفتاری پیشینه‌ای دیرین دارد بطور جدی از نیمه‌ی دوم قرن بیستم مورد بحث، فحص و تدقیق و تحقیق صاحب‌نظران و پژوهشگران قرار گرفته است.

تحقیق پیرامون مشارکت به طور گسترده از زمانی آغاز شد که اهل تحقیق به مطالعه‌ی توسعه و علل و آثار دگرگونی‌ها بر تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پرداختند. بدین ترتیب مفهوم و موضوع مشارکت جزء لاینفک تئوریهای توسعه گردید و تقریباً از نیمه‌ی دوم قرن بیستم مجامع، سازمان‌ها، ارگانها و مؤسسات تحقیقاتی متعددی به بررسی، شناخت و مطالعه‌ی ابعاد و وجوه مختلفه مشارکت پرداخته‌اند. توجه به

مشارکت در نیمه‌ی دوم قرن گذشته سبب گردیده است که دامنه تحقیقات در باب وجوه و ابعاد مختلف و صور و اشکال گوناگون اعم از فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظایر آن گسترده باشد و اطلاعات جامعی در باب اتیولوژی (شناخت علل و اسباب)، اپیدمیولوژی (همه گیرشناسی)، سطوح، الگوها، انواع و اشکال مشارکت حاصل آید (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۱۲).

با وجود دیدگاه‌های سنتی به مدیریت شهری، نگرش نوین با تأکید بر اهمیت نقش مردم در فرآیند مدیریت شهری و با رویکرد مدیریت غیرمتمرکز، به مردم به عنوان عناصری فعال و خلاق در روند اداره‌ی امور شهر می‌نگرد. در رویکردهای نوین مشارکت مردمی و سپردن کار به دست خود مردم بسیار مورد تأکید مدیران ارشد شهری قرار گرفته و در این راستا طرح‌های مختلفی برای مشارکت‌پذیر کردن شهروندان مد نظر آنان قرار گرفته است. در الگوهای نوین، برنامه‌ریزی بسیار مبتنی بر نقش مشارکتی مردم و اجتماعات محلی است و با توجه مشخصه‌هایی چون مشارکتی بودن، رویکرد فرآیندی به برنامه‌ریزی، افزایش کنترل مردم بر معیشت و زندگی روزمره و ارائه‌ی طرح‌ها و برنامه‌هایی که ارتباط و وابستگی بیشتری با نیازها و شرایط محلی اجتماعات دارد، می‌تواند به عنوان الگویی مطلوب در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری مد نظر قرار گیرد.

با توجه به اینکه به زعم لرنر مشارکت صور و اشکال مختلفی نظیر مشارکت روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد، اما اغلب در تحقیقات گذشته بر دو نوع عمده‌ی آن یعنی مشارکت سیاسی و مشارکت اجتماعی توجه و تأکید شده است. در این تحقیق تلاش شد تا به صور مختلف مشارکت پرداخته شود چرا که مشارکت مردمی یکی از عوامل مؤثر بر توسعه‌ی پایدار است. توسعه‌ی پایدار شهری، از طریق تصمیم‌گیری مشارکتی در سطح محلی امکان‌پذیر است زیرا این سطح با نیازهای روزمره‌ی زندگی افراد مماس است. در این میان وظیفه‌ی اصلی نهادهای دولتی ایجاد تسهیلات، حمایت همه‌جانبه و برداشتن موانع است و در عین حال باید از مداخله در اداره‌ی امور محلی پرهیز کند.

بنابراین سوال اصلی تحقیق ناظر بر آن است که اولاً چه اشکالی از مشارکت بر اساس سنخ‌شناسی لرنر در جامعه مطالعاتی (خلخال) وجود دارد؟ ثانیاً عوامل مؤثر بر صورت مشارکت در جامعه‌ی مطالعاتی کدامند؟ ثالثاً سهم هر یک از عوامل مؤثر در هر یک از صورت مذکور به چه میزان است؟

- پیشینه تحقیق

- خدیجه سفیری و مریم صادقی (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن انجام داده‌اند. در این مقاله چگونگی پیوند بین مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن بررسی و تحلیل شده که با روش پیمایشی انجام شده است. با تکیه بر تئوری‌های موجود، اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و خودپنداره از متغیرهای مهم و اثرگذار در تبیین مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر هستند. جامعه‌ی آماری این پژوهش را دانشجویان دختر ۱۸ تا ۲۹ ساله مشغول به تحصیل در دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری پژوهش با روش طبقه‌ای انجام شده و با استفاده از فرمول کوکران ۳۴۳ نفر از دانشجویان دختر، به عنوان جمعیت نمونه انتخاب شدند. آزمونهای همبستگی پیرسون نشان می‌دهد رابطه‌ی سه متغیر سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد اجتماعی)، احساس بی‌قدرتی و خودپنداره با مشارکت اجتماعی معنادار است و بیشترین تأثیر را متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دارد. بر مبنای نتایج پژوهش متغیرهای مذکور ۲۲ درصد واریانس مشارکت اجتماعی را تبیین کردند (سفیری و دیگری، ۱۳۸۸).

- لواسور و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی به عنوان عامل تعیین‌کننده‌ی سلامت سالمندان که به مداخله و نوآوری نیاز دارد، پرداختند. کمک شخصی شهروندان برای مشارکت اجتماعی شامل جلسات هفتگی سه‌ساعته برای انگیزش شخصی به منظور انجام فعالیت‌های اجتماعی و اوقات فراغت قابل توجه است. هدف این مطالعه بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر افراد سالمند معلول است. جامعه‌ی آماری شامل ۱۶ شرکت‌کننده (۱۱)

زن) ۶۶-۹۱ ساله ($8,7 \pm 79,4$) معلول که در خانه زندگی می‌کردند، بود. آنها پرسشنامه‌ی استقلال کارکردی، مشارکت اجتماعی، اوقات فراغت و کیفیت زندگی و مصاحبه نیمه‌ساخت یافته را تکمیل نمودند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استقلال کاربردی افراد مسن (= $P > 0,02$)، دستاورد ($P > 0,01$) و رضایتمندی ($P = 0.02$) و میزان فعالیت‌های اوقات فراغت ($P > 0,01$) آنها با مشارکت اجتماعی افزایش یافته است. پس از مداخله، شرکت‌کنندگان می‌خواستند تغییراتی در عمل ($P < 0.01$) و افزایش میزان فعالیت‌های اوقات فراغت ($P < 0.01$) ایجاد بکنند و مشکلات آنها محیط اجتماعی کاهش ($P = 0.03$) یافته بود. نگرش این افراد نسبت به اوقات فراغت ($P = 0.04$) و همچنین سلامت ($P < 0.01$) و کیفیت روانی ($P = 0.03$) آنها به مراتب بهبود یافته بود. این شرایط می‌تواند فرصت‌های جدیدی را برای افراد مسن و افزایش یکپارچگی جامعه و افزایش مؤلفه‌های اجتماعی فراهم کند.

- دوبروین و همکارانش (۲۰۱۵) به بررسی ارزش خدمات روز در مزارع مراقبت سبز (GCFs) بر اساس مشارکت‌های اجتماعی برای افراد مبتلا به زوال عقل پرداختند. برای این کار، آنها از مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته با مردم مبتلا به زوال عقل که در مرکز خدمات روز در حضور می‌یافتند با خانواده‌ی مراقبان آنها به عنوان روش مطالعه استفاده نمودند. نتایج به دست آمده‌ی آنها نشان می‌دهد که افراد مبتلا به زوال عقل در گروه‌ها در درجه‌ی اول مرد بودند و میانگین سنی آنها ۷۱ و ۷۶ سال بود، که تقریباً همسران آنها از آنان پرستاری می‌کردند. افراد مبتلا به زوال عقل در گروه RDCF با میانگین سنی ۸۵ سال عمدتاً زن بودند و بسیاری از آنها یک پرستار (غیر همسر) داشتند. برای هر دو گروه GCF و RDCF، مشخص شد که خدمات روز ارائه شده به این افراد مبتلا به زوال عقل، آنها را بخشی از جامعه قلمداد می‌کند. مهم‌ترین حوزه‌ی مشارکت اجتماعی مورد تأکید آنها تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های تفریحی بود. آنها همچنین بر حوزه‌ی "کار با دستمزد" و "کار داوطلبانه" اشاره نمودند بنابراین، تطبیق ویژگی‌های مراکز خدمات‌رسانی خدمات با ظرفیت‌ها و اولویت‌های مردم مبتلا به زوال عقل از اهمیت زیادی برخوردار است.

- بایی و همکارانش (۲۰۱۶) به بررسی نقش حمایتی مدرسه، مدل‌های نقش و مشارکت اجتماعی در تفاوت‌های نژادی و درآمدی پرداختند. تنها چند تن از جوانان به توصیه‌های فعالیت فیزیکی پاسخ دادند. عوامل محافظتی اجتماعی مانند داشتن یک مدل نقش، مشارکت اجتماعی و حمایت بزرگسالان در مدرسه می‌تواند به ترویج فعالیت بدنی جوانان کمک کند. در این مطالعه از داده‌های مصاحبه‌ی بهداشتی کالیفرنیا (۲۰۱۱-۲۰۱۲) به منظور بررسی اینکه تا چه میزان مدل‌های نقش، مشارکت اجتماعی و حمایت منجر به ترویج فعالیت بدنی در میان گروه‌های در معرض خطر بی‌حرکی و چاقی (بویژه جوانان کم درآمد و جوانان رنگین پوست) می‌شود، استفاده شده است. در یک مدل که در آن تمام نوجوانان شرکت‌کننده در سازمان‌های بیرون از مدرسه که کار داوطلبانه انجام دادند، استفاده شده بود، گزارش‌هایی مبنی بر حمایت بیشتر بزرگسالان در مدرسه به دست آمد. همچنین گزارش داده شد که داشتن یک مدل قهرمانی به فعالیت فیزیکی بیشتر منجر می‌شود. با این حال، انجمن‌ها با توجه به جنسیت، درآمد و قومیت / نژاد متفاوت از هم بودند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی از این عوامل اجتماعی محافظت‌کننده، بخصوص حمایت مدرسه، می‌تواند در ترویج فعالیت‌های فیزیکی در میان جوانان کم درآمد؛ آمریکایی‌های آفریقایی تبار که در معرض خطر عدم فعالیت بدنی هستند، کمک کند.

- کانتیجوک و همکارانش (۲۰۱۵) در این مطالعه به بررسی این موضوع پرداختند که آیا طیف وسیع فعالیت‌های سیاسی آنلاین در طول مبارزات انتخاباتی بر تمایل به شرکت در انواع غیر انتخاباتی مشارکت سیاسی آنلاین و آفلاین متعاقباً تأثیر می‌گذارد. سه فرضیه در این رابطه مطرح گردید: (۱) تلاش لازم برای عمل (۲) نوع فعالیت انجام شده (رسمی و رسمی) (۳) محیطی که در آن عمل (آنلاین یا آفلاین) انجام می‌گیرد. این فرضیه‌ها به کمک مجموعه داده‌های پانل با / پس از انتخابات عمومی انگلستان در ۲۰۱۰ آزمون شدند. نتایج نشان داد که پس از کنترل تعامل سیاسی قبلی، جستجوی اطلاعات آنلاین در طول مبارزات انتخاباتی اثر مثبت و معناداری بر تعامل بیشتر در انجام بحث‌های نرم‌تر مشارکتی داشت. این یافته‌ها همچنین این مورد را تأیید می‌کنند که بسیج سیاسی اینترنتی به یک شیوه‌ی "گام به

گام" اثر می‌کند که به موجب آن فعالیت‌های با شدت کمتر افراد را تا حدودی به بالای نردبان مشارکت راهنمایی می‌کند.

در تحقیق کریس یانگ و دهارت (۲۰۱۶) در مجموع ۴۵۵۶ دانشجوی آمریکایی بلافاصله پس از انتخابات ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار گرفتند تا فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده‌ی روانی و رفتاری مربوط به رسانه‌های اجتماعی را در مشارکت سیاسی آنلاین مشخص کنند. نتایج مدل معادلات ساختاری و رگرسیون چندگانه‌ی سلسله‌مراتبی نشان داد که سرمایه‌ی آنلاین اجتماعی، خودکارآمدی سیاسی، و مشارکت گروهی در فیس بوک جزء پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت مشارکت سیاسی آنلاین بودند، در حالی که اعتماد اجتماعی تأثیر مستقیمی بر مشارکت سیاسی آنلاین نداشت. استفاده‌ی سیاسی عمومی از فیس بوک و توییتر یک پیش‌بینی‌کننده‌ی مثبت مشارکت سیاسی آنلاین بود. با این حال، استفاده‌ی گسترده از فیس بوک و توییتر پیش‌بینی‌کننده‌ی منفی بودند.

-فلوود و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی ارتباط بین مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و بیماری‌های قلبی در میان زنان بریتانیا پرداختند. آنها می‌خواستند به این مسأله بپردازند که آیا شرکت در فعالیت‌های اجتماعی خطر ابتلا به بیماری عروقی را کاهش می‌دهد و برای این کار آنها از یک مطالعه‌ی آینده‌نگر و یک نمونه ۷۳۵۱۵۹ زن میانسال بریتانیایی استفاده نمودند. زنان در ۸ فعالیت اجتماعی (گروه دینی، کار داوطلبانه، آموزش بزرگسالان، هنر / گزارش هنر و صنعت / موسیقی، رقص، باشگاه‌های ورزشی، یوگا، بینگو) را گزارش دادند و تا وقوع یک رویداد (بستری شدن در بیمارستان یا مرگ) در بیش از ۸٫۶ سال بعدی پیگیری شدند. از مدل رگرسیون کاکس برای برآورد خطر نسبی بروز بیماری قلبی با شرکت در هر یک از فعالیت‌های اجتماعی استفاده شد. پس از تعدیل سن و منطقه، همه‌ی فعالیت‌ها، بجز بینگو، با کاهش خطر بیماری قلبی در ارتباط بود. با این حال، پس از تعدیل اضافی ۱۱ عامل (محرومیت، آموزش و پرورش، سیگار، فعالیت بدنی، شاخص توده‌ی بدن، الکل، وضعیت تأهل، سلامت خودامتیاز، شادی، فشار خون، دیابت)، همه‌ی برآوردهای خطر نسبی نزدیک به یک شد. نتایج کلی این تحقیق حاکی از آن است که ارتباط بین مشارکت در فعالیت‌های

مختلف اجتماعی و خطر ابتلا به بیماری قلبی به نظر می‌رسد تا حد زیادی یا کاملاً به علت مداخله‌گرانه‌ی ویژگی‌های شخصی شرکت‌کنندگان بوده باشد.

-دمیترووا و همکارانش (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان "اثرات رسانه‌های دیجیتال بر دانش و مشارکت سیاسی در کمپین‌های انتخاباتی: شواهد به دست آمده از پنل داده‌ها" که به روش مقطعی انجام گرفت، نشان می‌دهند با اینکه در حالی که اکثر تحقیقات قبلی رابطه‌ی مثبتی بین استفاده از رسانه‌های دیجیتال و مشارکت سیاسی و دانش را مطرح می‌کنند، اما اکثر مطالعات انجام شده بر نظرسنجی مقطعی تأکید داشته و قادر به ایجاد زنجیره‌ی پایدار و محکم علیت نبوده‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌های دیجیتال اثر بسیار ضعیفی بر آموزش سیاسی دارد، اما استفاده از برخی انواع رسانه‌های دیجیتال دارای اثرات قابل ملاحظه‌ای بر میزان مشارکت سیاسی دارند.

- نقدی بر تحقیقات انجام شده

اولین نقد این که اکثر محققان در پژوهش خویش بدان توجه نکرده، یا به سادگی از کنار آن گذشته‌اند این است که تعریف روشنی از مفاهیمی چون مشارکت روانی، مشارکت اقتصادی و... ارائه نداده و حدود هر یک آنها را مشخص نکرده‌اند.

این پژوهش نسبت به دیگر پژوهش‌هایی که در این حوزه صورت گرفته است دارای مزایایی است: نخست مزیت این پژوهش این است که نگارنده به جای اینکه تنها یک قشر را مورد بررسی قرار دهد، تقریباً اکثر اقشار جامعه را مورد بررسی قرار داده و اطلاعات را از هر قشر جمع‌آوری کرده است. چرا که معتقد است که پدیده‌ی بسیار مهم و چند بعدی مشارکت نیازمند بررسی همه اقشار بوده و نمی‌توان با بررسی یک قشر به نتایج دقیق‌تری رسید. ثانیاً سعی نگارنده بر این بوده است تا مؤلفه‌های اساسی مشارکت را در پژوهش خود مد نظر قرار دهد تا بتواند دقیق‌تر مسأله مشارکت را مورد سنجش قرار دهد.

- چارچوب نظری تحقیق

پس از مرور نظریه‌های مطرح شده از نظریه‌های نظریه‌پردازانی چون: پارسونز، هابرماس، الکسی دوتوکویل، لیپست، لرنر و روستو به عنوان چارچوب نظری استفاده شد.

- مفهوم فرهنگ مشارکت به طور مبسوطی در نظریه‌ی کنش اجتماعی پارسونز مورد تدقیق و بحث قرار گرفته است. بر اساس نظریه‌ی کنش اجتماعی، شخصیت محصول درونی شدن موقعیت‌های دارای نقش و پایگاه است و از آنجا که هر فرد در جامعه نقش‌های مختلفی را در موقعیت‌های مختلف داراست از جمله فرد شاغل در یک سازمان دارای موقعیتی (پستی) سازمانی است و هر نقش یا موقعیت سازمانی دارای شبکه‌ای از هنجارها و بایدها و نبایدها است. هنجارهای مذکور نیز در جریان جامعه‌پذیری سازمانی به تدریج در افراد درونی شده و در آن‌ها پایبندی به وظایفشان را به وجود می‌آورد. بر این اساس می‌توان فرهنگ مشارکت را میزان پایبندی افراد و اعضا به رعایت هنجارهای نقش شغلی تعریف کرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۲۳).

- هابرماس سه نوع کنش را از هم تفکیک می‌کند: کنش ابزاری، کنش استراتژیک و کنش ارتباطی. کنش ابزاری دارای موقعیتی غیر اجتماعی است و در سطح بین فردی عقلانیت ابزاری را همراه می‌آورد، یعنی جستجوی سود و به پیش بردن منافع شخصی. اگر از زاویه میان یک شناسنده (سوژه) و یک شناسا (ابژه) دست به کنش بزنیم، گرفتار خرد ابزاری شده و دست به کنش ابزاری زده‌ایم (کرایب، ۱۳۸۰: ۳۰).

کنش استراتژیک یا راهبردی و کنش ارتباطی هر دو دارای موقعیت اجتماعی‌اند. کنش استراتژیک کنش هدفدار-عقلانی است که به عمل دو یا چند فرد مربوط می‌شود که در تعقیب یک هدف، کنش معقولانه هدفدارشان را هماهنگ می‌کنند مانند کنشهایی که در درون سازمانها صورت می‌گیرد و این نوع در جستجوی موفقیت است در حالی که در کنش ارتباطی افراد به دنبال موفقیت شخصیشان نیستند، بلکه اهدافشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی‌شان را بر مبنای تعریفهایی از موقعیت مشترک هماهنگ سازند و این واکنش عقلانی و بنیادی است و توجه به آن سبب می‌شود که در آن همه به ابزارهای خرد، فرصت مشارکت در بحث، طرح نظرات و مشارکت در تصمیم‌گیری نهایی دسترسی پیدا کنند. این نوع کنش در جستجوی تفاهم است؛ توافقی که در ضمن کنش ارتباطی حاصل شده مبنایی عقلانی دارد زیرا هیچ یک از طرفین نمی‌توانند آن را تحمیل کنند (کرایب، ۱۳۸۰: ۳۰۱).

و ۳۰۰).

-الکسی دو توکویل بر یک فضای زندگی انجمنی در جامعه تأکید می‌کند و آن را در پیشرفت یک جامعه مؤثر می‌داند.

توکویل استدلال می‌کند که یکی از این وسائل، توزیع قدرت بین نهادهای گوناگون دولت (تفکیک قوا) و وسیله‌ی دیگر، انتخابات دوره‌ای است اما مهمترین وسیله‌ی کنترل قدرت دولت، وجود انجمنهای اجتماعی است.

به نظر او انجمن‌ها موجب می‌شوند که افراد با گروه‌ها و علاقه‌های وسیعتر پیوند یابند بنابراین این انجمن‌ها به زندگی عمومی انسجام می‌دهند. فضائل مدنی را تحکیم و ارزش‌های دموکراتیک را تثبیت می‌کند. این انجمنها نیروی فوق العاده‌ای دارند که زیاده‌روی احتمالی دولت‌ها را بخصوص در جامعه‌های دموکراتیک کنترل می‌کنند. توکویل در مطالعه‌ای که در آمریکا انجام داده، کارآمدی و تأثیر انجمن‌ها را در حیات اجتماعی و سیاسی آمریکا بیان می‌کند.

توکویل می‌گوید: در آمریکا هیچ چیز از پیش ساخته شده نیست و به اقتضای ضرورت و موقعیت به صورت آنی و برای رفع نیاز ساخته می‌شود و در صورت رفع نیاز از بین می‌رود. راز دموکراسی آمریکا در همین جاست. این همکاری مردم با یکدیگر در اموری که به همه‌ی آنها مربوط است از قدرت جلوگیری می‌کند. از آنجایی که خودشان در ساخت جامعه مشارکت دارند، جامعه را چیزی از خود می‌دانند و در ساختن جامعه به یکدیگر اعتماد دارند (توکویل، ۱۳۴۷: ۱۲۶) منافع مشترک، آمریکایی را به هم مرتبط می‌کند؛ از همین رو آنها با همدیگر همکاری می‌کنند و به یکدیگر اعتماد دارند. فرد آمریکایی با شور و هیجان در مباحث کوچک و بزرگ جمعی وارد می‌شود و در مورد آن بحث می‌کند و در انجمنهای مرتبط فعالیت می‌کند، همین حضور در ارزشها و مباحثات جمعی به مثابه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، او را به مشارکت در امور جامعه تشویق می‌کند و باعث علاقه‌مندی او به جامعه‌اش می‌شود (همان، ۵۰۳). او مشارکت را در سایه‌ی همکاری و اعتماد جمعی ممکن می‌داند. حضور در انجمن‌ها و شبکه‌های ارتباطات افراد واقعی را به وجود می‌آورد و نیروی هر

اقدامی را فراهم می‌کند.

- در نظریه‌ی لیپست، رویکرد اجتماعی یا تبیین جامعه‌شناختی؛ از رویکردهای عمده در تبیین مشارکت سیاسی به شمار می‌رود. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این رویکرد می‌توان به لیپست اشاره کرد. او در آثار مختلفی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت پرداخته است. لیپست معتقد است الگوهای شرکت در انتخابات در کشورهای نظیر آلمان، سودان، امریکا، نروژ، فنلاند و برخی از کشورهای دیگر مشابه هستند. در این کشورها مردان بیشتر از زنان، تحصیلکردگان بیشتر از بیسوادان، شهرنشینان بیشتر از روستائینان، متأهلان بیشتر از مجردان، افراد دارای منزلت بالاتر بیشتر از افراد دارای منزلت پایین‌تر، اعضای سازمان‌ها بیشتر از غیر اعضا، در فرایندهای سیاسی - اجتماعی مشارکت دارند.

متغیرهای مورد نظر لیپست در تبیین مشارکت سیاسی را می‌توان در سه دسته‌ی کلی تقسیم بندی کرد: (۱) موقعیت اقتصادی خانواده که متغیرهایی چون سطح درآمد، شغل، محل سکونت، منزلت را در بر می‌گیرد. این متغیرها از نظر لیپست به عنوان متغیرهایی پایه‌ای عمل می‌کنند که به طور غیر مستقیم از طریق برخی از متغیرهای دیگر نظیر ایدئولوژی سیاسی، عضویت حزبی و... رفتار سیاسی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (۲) موقعیت اجتماعی فرد که متغیرهایی چون وضعیت تأهل، مشارکت در نهادهای سیاسی - اجتماعی شهری یا روستایی بودن، مهاجر یا بومی بودن، سطح تحصیلات، میانسال یا جوان بودن را در بر می‌گیرد. (۳) موقعیت سیاسی - مذهبی فرد که متغیرهای این دو وجه تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. متغیرهایی چون ایدئولوژی سیاسی فرد که ارتباط تنگاتنگی با میزان مذهبی بودن دارد که به نوبه‌ی خود متأثر از ویژگی سیاسی خانواده نیز هست (فاطمی امین، ۱۳۸۸: ۲۰۶)

- مطالعه‌ی نوگرایی توسط دانیل لرنر در میان پژوهش‌های اولیه در این زمینه، حکم مهم‌ترین و مؤثرترین پژوهش‌ها را دارد. پژوهش لرنر اولین تلاش برای فرموله کردن الگوی جهانی نوگرایی است و از طریق مطالعات بین‌کشوری صورت گرفته است. لرنر یک نظریه‌ی نوگرایی عمومی را مطرح ساخت. نظریه‌ی لرنر بر «نظام رفتاری» زندگی مبتنی بر کنش متقابل استوار بود. لرنر با پژوهش میدانی در چند کشور خاورمیانه نظریه‌ی خود را محک زد. وی در

پژوهش خود به دنبال شیوه‌ای است که جوامع با استفاده از آن، از مرحله سنتی به مرحله‌ی گذار و سپس به نوگرایی می‌رسد. افزوده بر این، لرنر در این باره نیز که جوامع چگونه با نوگرایی ارتباط برقرار می‌کنند، بررسی‌های به عمل آورده است. نوگرایی در این چارچوب، نوعی «سبک مشارکتی زندگی» خوانده می‌شود و جامعه‌ی نوین، یک جامعه‌ی مشارکتی است. ویژگی‌های جامعه مشارکتی همان ویژگی‌هایی است که در غرب وجود دارد: مردم به مدرسه می‌روند، روزنامه می‌خوانند، در قبال کاری که انجام می‌دهند، تأمین مالی می‌شوند، کالا می‌خرند، رأی می‌دهند و در برابر طیف وسیعی از مسائل صاحب نظر هستند. لرنر در تشریح حرکت جامعه از شکل سنتی به مرحله‌ی انتقالی گذار و سپس به شکل نو زندگی، سه تعریف عمده ارائه می‌کند:

۱- نوگرایی در کشورهای رو به توسعه باید از الگوی تاریخی توسعه‌ی غربی پیروی کند، زیرا «جامعه غربی هنوز توسعه‌یافته‌ترین الگوی ویژگی‌های اجتماعی (قدرت، ثروت، مهارت و خردگرایی) را دارد و این همان الگویی است که سخنگویان خاورمیانه آن را هدف خود می‌دانند و از آن حمایت می‌کنند». البته لرنر مشخص نمی‌کند که این سخنگویان چه کسانی هستند، اما می‌توان حدس زد که وی به نخبگان سیاسی و اقتصادی حاکم اشاره می‌کند؛ کسانی که کم و بیش غریزه هستند و در حال حاضر نیز قدرت‌های مسلط در جوامع خود هستند.

۲- تلقین یا همدلی «که جزء پویای روانشناسی است»، کلید نوگرایی به شمار می‌رود. طبق نظریات لرنر، تلقین، ظرفیت دیدن خویش در جایگاه غیر است. لرنر سپس روندی که «تلقین‌کننده» را به یک مشتری دست به نقد، به شنونده رادیو و به رأی‌دهنده تبدیل می‌کند، به روشنی تشریح می‌کند.

۳- رسانه‌های جمعی که حکم شاخص تغییر را دارند، روند نوگرایی را تسهیل می‌کنند. چنین وانمود می‌شود که الگوی غربی نوگرایی، یک الگوی جهانی است زیرا مبتنی بر یک واقعیت تاریخی است و سکولاریسم فکری (بی‌تفاوتی در قبال مذهب و یا رد ملاحظات مذهبی) باید نظیر اروپا و ایالات متحده آمریکا دنبال شود. براساس دیدگاه لرنر، الگوی غربی پیشروی به سوی جامعه‌ی نوین، از چهار مرحله‌ی پیاپی عبور می‌کند: «شهرنشینی،

«سوادآموزی»، «استفاده از رسانه‌ها» و بالاخره ادغام در «جامعه‌ی نوین مشارکتی» که توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی را به دنبال می‌آورد: «الگوی غربی نوگرایی، ابعاد و مراحل ویژه‌ای را که جنبه‌ی جهانی دارند، نشان می‌دهد مثلاً هر جا شهرنشینی افزایش یافته، به رشد سوادآموزی منجر شده و رشد سوادآموزی باعث شده تا مردم از رسانه‌ها بیشتر استفاده کنند و هرگاه مردم، بیشتر از همیشه تحت پوشش رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، مشارکت اقتصادی (درآمد سرانه) و مشارکت سیاسی (رای دادن) اوج گرفته است. الگوی غربی نوگرایی یک واقعیت تاریخی است» (مولانا، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۰).

لرنر چنین نتیجه می‌گیرد که رشد در هر یک از این قلمروها که به ترتیب فهرست شده‌اند، رشد سایر قلمروها را تحریک می‌کند و این فرایند، جامعه را به سوی نوگرایی می‌راند. لرنر معتقد است جامعه باید حس تلقین کردن را افزایش دهد. از نظر لرنر، تلقین نوعی قدرت تصور است، به طوری که فرد این تصور را داشته باشد که می‌تواند در جایگاه اجتماعی خود تغییرات مثبت و مهمی پدید آورد. از دیدگاه لرنر این قوه‌ی تصور باعث حرکت به سوی نوگرایی می‌شود. بر طبق الگوی نوگرایی، حرکت از مرحله‌ی سنتی به مرحله‌ی گذار و سپس به مرحله‌ی جامعه‌ی نوین همواره با تغییر «نظام‌های ارتباطی شفاهی» به «نظام‌های ارتباط جمعی» همراه بوده و این تغییر همیشه یک دگرگونی تک‌سویه از نظام‌های سنتی به نظام‌های نوین و نه برعکس بوده است. طبق نظر لرنر تفاوت این دو نظام در اینجاست که ارتباطات بین فردی سنتی به تقویت نگرش‌ها و آداب سنتی می‌انجامد، حال آنکه ارتباط جمعی، مهارتها، نگرش‌ها و رفتارهای تازه را می‌آموزد بنابراین، رسانه‌های جمعی تقویت‌کنندگان تحرکند و این امر به این معناست که رسانه‌های جمعی در برابر مخاطبان فزاینده‌ی خود، هم ظرفیت برقراری ارتباط با «نوع تغییر» و هم ظرفیت برقراری با «امکان تغییر» را دارند. لرنر بر این اعتقاد است که میان شاخص رسانه‌ای نوگرایی و سایر نهادهای اجتماعی یک کنش متقابل وجود دارد. رشد همبسته‌ی شهرگرایی و سوادآموزی در فاصله‌ی ۱۰ درصد شهرگرایی تا ۲۵ درصد شهرگرایی در اوج رابطه‌ی همبستگی است. پس از این مرحله، رشد سوادآموزی به رشد رسانه‌های جمعی وابسته می‌شود. این نکته حائز اهمیت است که نظر لرنر، دایر بر اینکه دسترسی به رسانه‌های جمعی پیش شرط مشارکت در جامعه‌ی نوین بوده و رسانه‌های جمعی

مستقیماً بر نگرش‌ها و رفتارهای فردی تأثیر می‌گذارند، نه تنها از سوی منتقدان الگوهای سنتی، بلکه حتی از سوی بررسی‌کنندگان الگوهای ارتباطی و توسعه‌ی لیبرالی - سرمایه‌داری نیز به چالش فراخوانده شده است (مولانا، ۱۳۸۷: ۴۸).

اقتصاد معیشتی، مشخصه‌ی جامعه‌ی در حال گذار است، این جامعه‌ی صنعتی نیست و میزان سرمایه‌گذاری در آن بسیار اندک است و یا اصلاً وجود خارجی ندارد. بر طبق این الگوها، جامعه سنتی از نظر سیاسی یک جامعه‌ی استبدادگر است که به شدت تمرکززدایی شده است. در جامعه‌ی سنتی افرادی زندگی می‌کنند که روستایی، بیسواد، آموزش ندیده، تقدیرگرا و بی‌تحرکند. از سوی دیگر جامعه‌ی مدرن، جامعه‌ای کاملاً شهری، باسواد و آموزش دیده است که وسایل ارتباطی در آن بسیارند. انسان مدرن نیز از دیدگاه لرنر، یک انسان سکولار، آموزش دیده و باسواد است که از نظر جسمی و روانی فعال است. افزون بر این، جوامع مدرن و سنتی از نظر ارتباطی کاملاً متفاوت با یکدیگر عمل می‌کنند. از دیدگاه الگوهای لیبرالی - سرمایه‌داری، جوامع سنتی بر ارتباط چهره به چهره متکی بوده و فقط برای اثبات نقش و موقعیت خود در جست‌وجوی اطلاعات برمی‌آیند. لرنر گمان می‌کرد برای ایجاد هویت جدید در جامعه‌ی سنتی، وجود یک سخنگوی ملی ضرورت دارد. به گمان او، این سخنگو می‌توانست یک رهبر بزرگ ملی نظیر آتاتورک که سکولاریسم غربی را در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ در ترکیه گسترش داد و یا یک نخبه‌ی معتقد به نوگرایی باشد. شیوه‌های جدید زندگی باید در برابر کشاورزان قرار می‌گرفت و لرنر عمدتاً چنین نقشی را برای وسایل ارتباط جمعی قائل بود (مولانا، ۱۳۸۷: ۵۹).

- نظریه‌ی مراحل رشد روستو تحت تأثیر مکتب تکاملی شکل گرفت. نظریه‌ی روستو یک نظریه‌ی صرفاً اقتصادی و فنی نیست. وی نیروهای تولیدی را از نظر توسعه‌ی اجتماعی بررسی کرده است و با نمایاندن تغییرات تاریخی نیروهای تولیدی سعی در ارتقا دادن جامعه‌ی سرمایه‌داری به عنوان یک جامعه‌ی تکامل یافته دارد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۸۷).

روستو گذار از مرحله‌ی جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی صنعتی را طی پنج مرحله به شرح زیر ذکر می‌کند:

۱- جامعه‌ی سنتی: جامعه‌ی سنتی، جامعه‌ای است با تولید محدود و متناسب با آگاهی‌های علمی و تکنیکی مخصوص به خود. این جامعه اساساً جامعه‌ای کشاورزی است و بر تحول محور خانواده یا کلان، سازمان می‌یابد و وجه نظر مردم بر اساس نوعی تقدیرگرایی مزمن است.

۲- شرایط قبل از خیز اقتصادی: لازمه‌ی ورود توسعه به جامعه‌ی سنتی، وجود برخی عوامل (از جمله: الف) رواج این ایده که پیشرفت اقتصادی لازمه‌ی رسیدن به رفاه اجتماعی است. (ب) آموزش، لااقل در برخی از جامعه. (ج) به کارگیری پس‌اندازها برای ایجاد مؤسسات خصوصی یا عمومی توسط آنتروپرونها. (د) ایجاد بانک‌ها و مؤسسات مالی. (ر) افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و گسترش تجارت. (و) استقرار یک قدرت سیاسی مرکزی است؛ یعنی این مرحله، مرحله‌ی انتقالی است بین جامعه‌ی سنتی و دوره‌ی بعدی.

۳- مرحله‌ی خیز اقتصادی: در این مرحله‌ی خاص که تفاوت بین جامعه‌ی سنتی و توسعه‌یافته مشخص می‌شود، باید کلیه‌ی عوامل مرحله‌ی خیز تحقق یابد که در نتیجه‌ی آن سرمایه‌گذاری‌ها افزون و بهره‌وری کشاورزی زیاده‌تر می‌شود، شهرها گسترش یافته و مراکز جدید شهری به وجود می‌آید.

۴- مرحله‌ی بلوغ: که طی آن تولیدات صنعتی متنوع شده و صنعت در بخش‌های جدیدی توسعه می‌یابد و تکنیک‌های جدید اقتصادی‌تر و مؤثرتری ابداع می‌شود.

۵- مرحله‌ی مصرف توده‌وار: این مرحله با بالا رفتن سطح زندگی در کل جامعه و نیز افزایش شمار کارمندان و کارگران ماهر و افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه‌ی تأمین اجتماعی و بهداشت مشخص می‌شود.

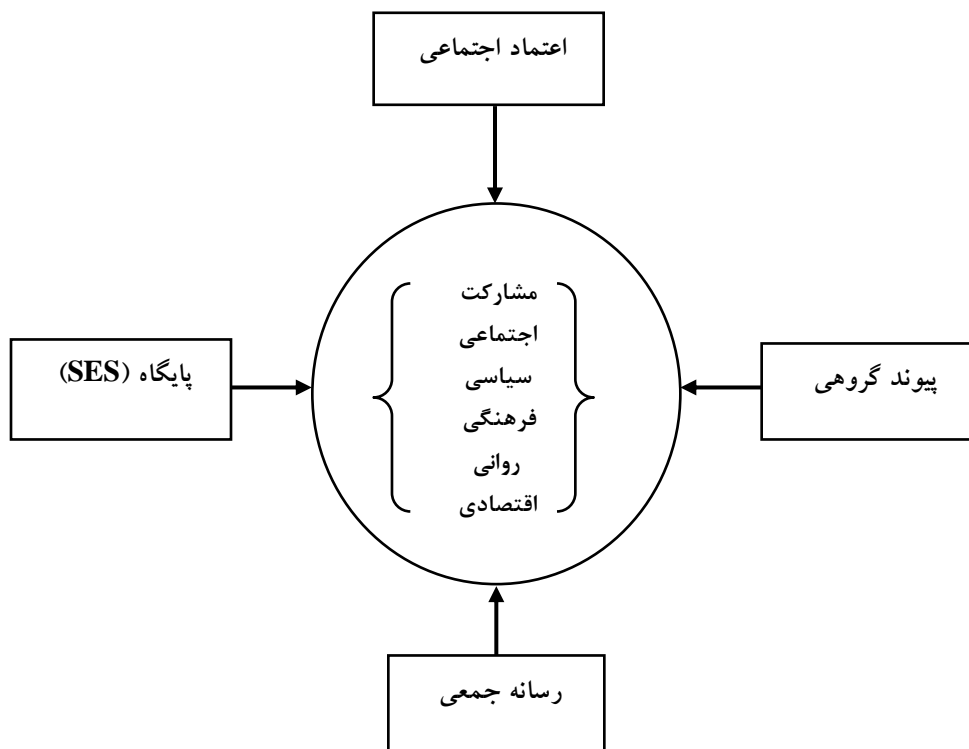
تحلیل روستو بر این محور قرار دارد که برای اینکه رشد اقتصادی به مرحله‌ای برسد که بعد از آن به‌طور خودکار ادامه یابد، نیاز به افزایش میزان سرمایه‌گذاری مادی خواهد بود. تأکید بر انباشت سرمایه تنها محدود به جامعه‌شناسان نمی‌شود؛ بسیاری از اقتصاددانان نیز مهمترین مشکل توسعه‌نیافتگی را کمیابی سرمایه دانسته‌اند (ازکیا، ۱۳۸۱: ۴۳).

– ماتریس چارچوب نظری پژوهش

متغیر	نظریه پرداز	متغیر	نظریه پرداز
پیوند گروهی	دورکیم، میلبراث	بیگانگی اجتماعی	سیمن، دال
احساس شهروندی	دورکیم، میلبراث و گوئل	بیگانگی سیاسی	لوین
رسانه جمعی	لرنر، سیمن و شوارتز، آلموند و وربا	پایگاه اجتماعی و اقتصادی	لیپست، هانتینگتون
مذهب	لرنر و دورکیم	فشار گروهی	دال
اعتماد اجتماعی و سیاسی	پاتنام، فوکویاما، اینگلهارت	همنوابی	دورکیم
		حمایت اجتماعی	دورکیم

– مدل نظری پژوهش

مدل نظری که از دل چهارچوب نظری پژوهش بیرون می‌آید، وسیله‌ای برای تنظیم فکر و همچنین نمایش روابط بین متغیرها حول موضوع پژوهش است.



- فرضیه‌های پژوهش

میزان مشارکت شهروندان بر حسب انواع مشارکت‌های روانی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با توجه به مدل بالا، فرض شده است که (۱) میزان اعتماد اجتماعی؛ (۲) میزان پیوند گروهی؛ (۳) میزان استفاده آنان از رسانه‌ها و (۴) پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت باشد.

- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر خلخال هستند که تعدادشان طبق آمار اداره‌ی ثبت احوال ۳۶۰۰۰ نفر است. حجم نمونه در این تحقیق شامل ۳۸۰ نفر است که با استفاده از فرمول کوکران و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به دست آمد. در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه که رایج‌ترین تکنیک مورد استفاده در تحقیق پیمایشی است استفاده شده است. از اعتبار صوری استفاده گردید و قابلیت اعتماد نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای همه‌ی متغیرها بالاتر از ۰/۷۰ به دست آمد.

- یافته‌های پژوهش

- یافته‌های توصیفی

مطابق با یافته‌های تحقیق ۵۱/۸ درصد از کل پاسخگویان مرد و دارای بیشترین درصد بوده‌اند. همچنین ۴۸/۲ درصد از پاسخگویان زن و دارای کمترین درصد هستند. کمترین سن برابر با ۱۸ سال و بیشترین سن ۵۸ سال و بالاتر بوده است. بیشتر پاسخگویان نیز در مقطع سنی ۳۷-۲۸ قرار دارند. ۶۰/۵ درصد از کل پاسخگویان متأهل و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۰/۵ درصد از پاسخگویان نیز وضعیت تأهلشان را همسر فوت شده اعلام کرده و دارای کمترین فراوانی هستند. ۳۲/۹ درصد را در این بررسی پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که دارای سطح تحصیلات کارشناسی بوده و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و ۱/۶ درصد پاسخگویان دارای سطح تحصیلات قدیم-نهضت سوادآموزی بوده و کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. ۴۹ نفر

(۱۲/۹٪) از افراد نمونه شغلشان را آزاد، ۶ نفر (۱/۶٪) از افراد نمونه کارگر و... کمترین میزان درآمد برابر با کمتر از ۵۰۰ هزار تومان با ۶/۱ درصد و بیشترین میزان درآمد برابر با بالای ۳۵۰۱ هزار تومان با ۰/۸ درصد است. ۳۰/۸ درصد را در این بررسی پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که سطح تحصیلات پدرشان ابتدایی بوده و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و هیچ یک از پاسخگویان میزان تحصیلات پدرشان را دکتری اعلام نکرده‌اند. ۱۳۲ نفر (۳۴/۷٪) از افراد نمونه شغل پدرشان آزاد است و دارای بیشترین فراوانی هستند و ۲ نفر (۰/۵٪) از افراد نمونه اعلام کردند که پدرشان راننده است و دارای کمترین فراوانی هستند. کمترین میزان درآمد پدر پاسخگویان برابر با کمتر از ۵۰۰ هزار تومان با ۱۷/۶ درصد و بیشترین میزان درآمد برابر با بالای ۳۵۰۱ هزار تومان با ۲/۱ درصد است. ۳۱/۳ درصد را در این بررسی پاسخگویانی تشکیل داده‌اند که مادرشان بی‌سواد بوده و بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند و هیچ یک از پاسخگویان میزان تحصیلات مادرشان را حوزوی و دکتری اعلام نکرده‌اند. ۳۱۶ نفر (۸۳/۲٪) از افراد نمونه شغل مادرشان را خانه دار معرفی کرده‌اند و دارای بیشترین فراوانی هستند. ۳ نفر (۰/۸٪) از افراد نمونه نیز شغل مادرشان را بازاری معرفی کرده‌اند و دارای کمترین فراوانی هستند. کمترین میزان درآمد مادر پاسخگویان برابر با کمتر از ۵۰۰ هزار تومان با ۲/۴ درصد و بیشترین میزان درآمد برابر با ۲۵۰۰-۱۵۰۱ هزار تومان با ۰/۸ درصد است. ۷۷/۴ درصد از کل پاسخگویان بومی و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۲۲/۶ درصد از پاسخگویان نیز غیر بومی و دارای کمترین فراوانی هستند. ۷۷/۴ درصد از کل پاسخگویان اعلام کرده‌اند که از بچگی در شهر خلخال زندگی کرده‌اند و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۲۲/۶ درصد از پاسخگویان نیز اعلام کرده‌اند که از جای دیگری به شهر خلخال مهاجرت کرده‌اند و دارای کمترین فراوانی هستند. ۷۲/۹ درصد از کل پاسخگویان اعلام کرده‌اند که نوع مالکیت مسکنشان ملکی است و دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند. همچنین ۱/۶ درصد از پاسخگویان نیز اعلام کرده‌اند که نوع مالکیت مسکنشان رهنی است و دارای کمترین فراوانی می‌باشند.

مطابق با یافته‌های تحقیق بیشترین فراوانی متعلق به استفاده از شبکه‌ی اجتماعی تلگرام و کمترین فراوانی متعلق به استفاده از شبکه‌ی اجتماعی لاین است.

- تفکیک نمونه بر حسب میانگین متغیرهای مستقل و وابسته

جدول ۲: آماره‌های توصیفی

حالات طیف	تعداد سؤالات	مینیمم به دست آمده	ماکسیمم به دست آمده	میانگین	
۵	۶	۶	۲۶	۱۶/۰۲۳۷	حمایت اجتماعی
۵	۱۰	۱۴	۴۷	۳۶/۳۳۹۵	احساس شهروندی
۵	۹	۹	۴۱	۲۷/۶۶۵۸	اعتماد سیاسی
۵	۲۰	۴۰	۹۲	۶۶/۳۶۰۵	اعتماد اجتماعی
۵	۶	۶	۲۹	۱۹/۶۶۵۸	پیوند گروهی
۵	۷	۲۱	۳۵	۳۰/۰۷۸۹	بیگانگی سیاسی
۵	۱۳	۲۱	۴۶	۳۱/۷۱۵۸	بیگانگی اجتماعی
۵	۱۱	۱۱	۵۵	۴۳/۶۷۸۹	دینداری
۵	۵	۵	۱۶	۶/۶۱۳۲	رسانه‌های جمعی
۲	۱۶	۱۶	۳۲	۲۷/۷۸۹۵	مشارکت اجتماعی
۵	۱۶	۳۰	۷۰	۵۲/۹۷۶۳	مشارکت اقتصادی
۵	۱۰	۱۰	۵۰	۳۰/۲۳۴۲	مشارکت فرهنگی
۵	۱۸	۲۶	۷۷	۵۱/۵۸۶۸	مشارکت سیاسی
۵	۲۱	۵۰	۹۲	۶۹/۳۲۱۱	مشارکت روانی

- یافته‌های استنباطی

فرضیه‌ی اول:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت روانی با توجه به میزان اعتماد اجتماعی آنان تغییر می‌کند.

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	مشارکت روانی	۰/۴۳۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه‌س معناداری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/435$ ، بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی دوم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان اعتماد اجتماعی آنان تغییر می‌کند.

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	مشارکت سیاسی	$0/301$	$0/000$

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/301$ ، بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی سوم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت فرهنگی با توجه به میزان اعتماد اجتماعی آنان تغییر می‌کند.

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	مشارکت فرهنگی	$0/128$	$0/000$

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان $0/95$ می‌توان گفت رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی $0/128$ ،

بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است، یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی چهارم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت اقتصادی با توجه به میزان اعتماد اجتماعی آنان تغییر می‌کند.

جدول شماره (۷۹-۴): آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر مشارکت اقتصادی و میزان

اعتماد اجتماعی

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد اجتماعی	مشارکت اقتصادی	۰/۲۵۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۲۵۵ بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است، با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی پنجم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت روانی با توجه به میزان پیوند گروهی آنان تغییر می‌کند.

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
پیوند گروهی	مشارکت روانی	۰/۲۴۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۲۴۳ بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است، با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی ششم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان پیوند گروهی آنان

تغییر می‌کند.

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
پیوند گروهی	مشارکت سیاسی	۰/۴۲۸	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۴۲۸، بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است، یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی هفتم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت فرهنگی با توجه به میزان پیوند گروهی آنان تغییر می‌کند.

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
پیوند گروهی	مشارکت فرهنگی	۰/۱۷۷	۰/۰۰۱

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۱ کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۷۷، بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است، یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی هشتم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت اقتصادی با توجه به میزان پیوند گروهی آنان تغییر می‌کند.

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
پیوند گروهی	مشارکت اقتصادی	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۲۵۳، بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است، یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی نهم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت اجتماعی آنان با توجه به میزان پیوند گروهی آنان متفاوت است.

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	سطح معناداری	مقدار T	سطح معناداری
دارند	۲۹۳	۱۹/۹۶۲۵	۴/۳۲۲۰۵	۰/۳۰۹	۰/۵۷۸	۲/۵۵۶	۰/۰۱۲
ندارند	۸۷	۱۸/۶۶۶۷	۴/۰۹۹۵۴				

مطابق با جدول بالا اندازه T برابر ۲/۵۵۶ با سطح معناداری ۰/۰۱۲ شده که از ۰/۰۵ کمتر است لذا می‌توان فرض صفر را رد کرد. یعنی واریانس دو گروه باهم برابر نیست و گروه‌ها از لحاظ میزان پیوند گروهی با یکدیگر تفاوت دارند. با توجه به اینکه میانگین گروه اول یعنی کسانی که مشارکت اجتماعی دارند بیشتر از میانگین گروه دوم کسانی که مشارکت اجتماعی ندارند است بنابراین می‌توان گفت کسانی که پیوند گروهی دارند، مشارکت اجتماعی بالاتری نیز دارند.

- فرضیه‌ی دهم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت سیاسی با توجه به میزان استفاده آنان از رسانه‌ها تغییر می‌کند.

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان استفاده از رسانه‌ها	مشارکت سیاسی	۰/۱۰۵	۰/۰۴۱

با توجه به جدول بالا مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون ۰/۰۴۱ کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه‌ی معناداری بین دو

متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۰۵ بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است. یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی یازدهم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت فرهنگی با توجه به میزان استفاده آنان از رسانه‌ها تغییر می‌کند.

متغیر یک	متغیر دو	ضریب همبستگی	سطح معناداری
میزان استفاده از رسانه‌ها	مشارکت فرهنگی	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰

با توجه به جدول بالامشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت رابطه‌ی معناداری بین دو متغیر مورد بررسی وجود دارد. با توجه به مثبت بودن علامت ضریب همبستگی ۰/۱۸۵ بین دو متغیر رابطه‌ی معناداری برقرار است. یعنی با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد.

- فرضیه‌ی دوازدهم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت روانی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است.

ابتدا برای بدست آوردن تحلیل واریانس یک‌طرفه از رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت روانی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی به سه سطح بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند. سپس جهت آزمون فرضیه از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۵۲۸	۰/۶۴۰	۸/۸۹۹۱۳	۷۰/۲۲۴۱	۵۸	بالا
		۷/۸۱۹۱۲	۶۸/۸۰۹۹	۱۲۱	متوسط
		۷/۵۸۵۱۰	۶۹/۳۶۸۲	۲۰۱	پایین

آمار جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری (۰/۵۲۸) آزمون نیز از ۰/۰۵ بیشتر است؛

یعنی میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت روانی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت نیست.

- فرضیه‌ی سیزدهم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت سیاسی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است.

ابتدا برای بدست آوردن تحلیل واریانس یک‌طرفه از رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت سیاسی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی به سه سطح بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند. سپس جهت آزمون فرضیه از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۳۹۱	۰/۹۴۲	۱۰/۹۰۰۶۰	۵۲/۸۱۰۳	۵۸	بالا
		۱۰/۲۰۰۸۱	۵۰/۶۶۹۴	۱۲۱	متوسط
		۱۰/۰۲۵۴۲	۵۱/۷۸۶۱	۲۰۱	پایین

آمار جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری (۰/۳۹۱) آزمون نیز از ۰/۰۵ بیشتر است؛ یعنی میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت سیاسی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت نیست.

- فرضیه‌ی چهاردهم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت فرهنگی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است.

ابتدا برای بدست آوردن تحلیل واریانس یک‌طرفه از رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت فرهنگی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی به سه سطح بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند. سپس جهت آزمون فرضیه از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۱۹۱	۱/۶۶۲	۷/۸۶۰۶۳	۲۹/۰۰۰۰	۵۸	بالا
		۷/۸۷۵۰۷	۲۹/۸۱۸۲	۱۲۱	متوسط
		۷/۰۰۶۰۴	۳۰/۸۴۰۸	۲۰۱	پایین

آمار جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری (۰/۱۹۱) آزمون نیز از ۰/۰۵ بیشتر است؛ یعنی میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت فرهنگی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت نیست.

- فرضیه‌ی پانزدهم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت اقتصادی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است.

ابتدا برای بدست آوردن تحلیل واریانس یک‌طرفه از رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت اقتصادی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی به سه سطح بالا، متوسط و پایین تقسیم شدند. سپس جهت آزمون فرضیه از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	پایگاه اقتصادی - اجتماعی
۰/۴۰۳	۰/۹۱۲	۸/۰۳۵۳۱	۵۴/۱۷۲۴	۵۸	بالا
		۷/۵۰۹۰۳	۵۲/۶۲۸۱	۱۲۱	متوسط
		۷/۲۴۳۹۳	۵۲/۸۴۰۸	۲۰۱	پایین

آمار جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معناداری (۰/۴۰۳) آزمون نیز از ۰/۰۵ بیشتر است؛ یعنی میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت اقتصادی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت نیست.

- فرضیه‌ی شانزدهم:

میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت اجتماعی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است.

برای بدست آوردن رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت اجتماعی از آزمون خی دو استفاده شد.

	پایگاه			کل
	بالا	متوسط	پایین	
دارد مشارکت اجتماعی	۳۹	۹۰	۱۶۴	
ندارد	۱۹	۳۱	۳۷	
کل	۵۸	۱۲۱	۲۰۱	

ضریب فی:

مقدار خبی دو	۵/۹۹۸	۰/۰۵۰
مقدار ضریب فی	۰/۱۲۶	۰/۰۵۰

با توجه به اینکه سطح معناداری جدول کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت میزان مشارکت شهروندان بر حسب مشارکت اجتماعی آنان با توجه به پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان متفاوت است و کسانی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالایی دارند، مشارکت اجتماعی بالاتری نیز دارند.

نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این تحقیق را می‌توان با نظریه‌های لرنر و دو توکویل تحلیل کرد. به گمان لرنر مشارکت واقعی و جامع و فراگیر در برگیرنده‌ی همه‌ی صور مشارکت است و این شکل از مشارکت است که زمینه را برای توسعه‌ی پایدار فراهم می‌سازد. دانیل لرنر (۱۹۶۴) در نیمه‌ی دوم قرن بیستم با رویکرد جامعه‌شناختی - روانشناختی و از طریق مصاحبه‌های میدانی به مطالعه‌ی نوسازی در شش کشور خاورمیانه (ترکیه - لبنان - ایران - اردن - مصر و سوریه) پرداخته است. به نظر لرنر ورود عناصر و مکانسیم‌هایی که حاصل نوسازی هستند، در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسانها برای پذیرش عناصر جدید تجدید و توسعه تأثیرگذار هستند. لرنر معتقد است که فرد نوگرا که برخوردار از سواد، شهرنشینی، وسایل ارتباط جمعی و همدلی است، بالاترین میزان و درجه فکر و اندیشه‌ی نوگرایی را دارد و به عکس فرد سنتی که فاقد هریک از متغیرهای

یاد شده است، پایین‌ترین درجه‌ی فکر و اندیشه‌ی نوگرایی را دارد. به عقیده لرنر سه ویژگی و خصوصیت هسته‌ی مرکزی شخصیت نوسازی شده را تشکیل می‌دهد. همدلی، تحرک و مشارکت بالا، به عقیده‌ی وی فرآیند نوسازی بدون ظهور این ویژگی‌ها در شخصیت فرد، کند یا متوقف می‌شود. وی در میان شش کشور مورد مطالعه به این نتایج رسیده است که در دهه‌ی ۱۹۶۰ ترکیه بیشترین و ایران کمترین توان و ظرفیت را برای تجدد و توسعه دارد (ازکیاء ۱۳۸۱: ۱۱۰-۱۰۸). براساس دیدگاه لرنر، الگوی غربی پیشروی به سوی جامعه‌ی نوین، از چهار مرحله‌ی پیاپی عبور می‌کند: «شهرنشینی، «سوادآموزی»، «استفاده از رسانه‌ها» و بالاخره ادغام در «جامعه‌ی نوین مشارکتی» که توسعه‌ی اقتصادی و سیاسی را به دنبال می‌آورد. «الگوی غربی نوگرایی، ابعاد و مراحل ویژه‌ای را که جنبه‌ی جهانی دارند، نشان می‌دهد مثلاً هرچا شهرنشینی افزایش یافته، به رشد سوادآموزی منجر شده و رشد سوادآموزی باعث شده تا مردم از رسانه‌ها بیشتر استفاده کنند و هرگاه مردم، بیشتر از همیشه تحت پوشش رسانه‌ها قرار گرفته‌اند، مشارکت اقتصادی (درآمد سرانه) و مشارکت سیاسی (رأی دادن) اوج گرفته است. الگوی غربی نوگرایی یک واقعیت تاریخی است» (مولانا، ۱۳۸۷: ۲۱-۲۰).

دوتوکویل بر یک فضای زندگی انجمنی در جامعه تأکید می‌کند و آن را در پیشرفت یک جامعه مؤثر می‌داند. توکویل استدلال می‌کند که یکی از این وسایل، توزیع قدرت بین نهادهای گوناگون دولت (تفکیک قوا) و وسیله‌ی دیگر، انتخابات دوره‌ای است اما مهمترین وسیله‌ی کنترل قدرت دولت، وجود انجمنهای اجتماعی است (چاندوک، ۱۳۷۷: ۶۷).

همچنین تحقیقات مشابهی نیز صورت گرفته است که با نتایج به دست آمده از این تحقیق سنخیت دارند برای مثال زهره آذرگون در پژوهشی به بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان، مطالعه‌ی موردی: شهر ساری پرداخت. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که پنج متغیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، گرایش‌های مذهبی، عضویت در نهادها و همچنین تحصیلات به ترتیب میزان اهمیتی که

در تبیین متغیر وابسته دارند، وارد معادله رگرسیون شده است و در کل این متغیرها توانسته ۶۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تشریح نماید. همچنین داده‌های به دست آمده از وضعیت مشارکت جوانان نشان می‌دهد که میانگین نمره‌دهی مشارکت اجتماعی افراد مورد مطالعه برابر با $43/48$ است که این نمره در مقایسه با دامنه‌ی نمره (۱۱ تا ۵۵) در حد پایینی است و بیانگر وجود مشارکت کم و تا حدی ضعیف در میان جوانان است (آذرگون، ۱۳۸۷: ۱۵۰). زینب فاطمی امین نیز مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران انجام داده است. بر اساس نتایج تحقیق با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می‌توان گفت که هر یک از متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، انعطاف مذهبی، درجه‌ی مذهبی بودن، رضایت از زندگی، آزادی سیاسی، مشروعیت سیاسی، اعتماد سیاسی، دوستان سیاسی، فاتالیسم (سرنوشت‌گرایی)، احساس کارآمدی و اثربخشی سیاسی، احساس بی‌قدرتی سیاسی، بیگانگی سیاسی، پخش مسئولیت، خانواده‌ی سیاسی، آگاهی سیاسی، دوری‌گزینی سیاسی، استفاده از رسانه‌ها، اعتماد اجتماعی، رضایت از عملکرد دولت، محتوای شعارهای کاندیداها، داشتن فراغت در روز انتخابات، ثبات در گرایش حزبی، اهمیت نتایج انتخابات، اهمیت نظارت اجتماعی، رابطه و همبستگی معناداری با میزان مشارکت سیاسی دارد (فاطمی امین، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

باتوجه به نتایج پژوهش، بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ابعاد مشارکت رابطه وجود دارد بنابراین رسانه‌های جمعی باید خود را وکیل و قیم شهروندان روشن‌بین بدانند، موضوعات و مقولات را بی‌طرفانه انتخاب کنند و پذیرای دغدغه‌ها و پیشنهادهای آنها باشند.

همچنین یافته‌ها نشان داد که بین متغیرهای میزان اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و... با ابعاد مشارکت رابطه وجود دارد. در این زمینه می‌توان گفت فعال کردن و انگیزه دادن به شهروندان برای مشارکت نیازمند فضای سیاسی شفاف، قوانین و مقررات مناسب، برخورداری نسبی از امکانات معیشتی و رفاهی است. در این

حالت مشارکت در جهت حمایت از موجودیت، اقتدار و تقویت حاکمیت نظام خواهد بود. اگر مخالفت و مبارزه‌ای هم باشد در چهارچوب نظام و نه بر ضد موجودیت نظام است.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه، چاپ نهم، تهران: کیهان.
- آزرگون، زهره. (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان، مطالعه‌ی موردی شهر ساری»، فصلنامه‌ی تخصصی علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره‌ی هجدهم، صص ۱۴۹-۱۶۹.
- پاپلی یزدی، محمد حسین. و ابراهیمی، محمد امیر. (۱۳۹۰). نظریه‌های توسعه‌ی روستایی، تهران: انتشارات سمت.
- توکویل، الکسی دو. (۱۳۴۷). تحلیل دموکراسی آمریکا، ترجمه‌ی رحمت الله مراغه‌ای، تهران: انتشارات زوار.
- ریتزر جرج. (۱۳۷۴). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سفیری و خدیجه و صادقی، مریم. (۱۳۸۸). مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره‌ی پیاپی (۳۴) شماره‌ی ۲.
- فاطمی امین، زینب. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی، سال پنجم، شماره‌ی اول، صص ۱۹۹-۲۲۶.
- کرایب یان. (۱۳۸۰). نظریه‌های اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران: نشر آگاه.
- محسنی تبریزی، علیرضا و دیگران. (۱۳۸۰). تقدیرگرایی و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه‌ی علمی پژوهش علوم اجتماعی، سال دوم، شماره‌ی هفتم.
- محسنی تبریزی، علیرضا، طباطبایی، قاضی و مرجائی، هادی. (۱۳۸۱). مشارکت سیاسی بانوان در ۱۲۸ استان کشور، وزارت کشور، مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۳). بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه‌ی ملی، بررسی

رابطه‌ی میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی - سیاسی، فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی،

تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مولانا، حمید. (۱۳۸۷). گذر از نوگرایی ارتباطات و دگرگونی جامعه، ترجمه‌ی یونس

شکرخواه، چاپ دومف تهران: دفتر مطالعات و توسعه‌ی رسانه‌ها.

- Babey, H., Susan; Wolstein, Joelle; Diamant, L., Allison (2016) Adolescent Physical Activity: Role of School Support, Role Models, and Social Participation in Racial and Income Disparities, *Journal of Environment and Behavior*, Vol. 48(1) 172-191
- Cantijoch, Marta; Cutts, David; Gibson, Rachel (2015) Moving Slowly up the Ladder of Political Engagement: A 'Spill-over' Model of Internet Participation, *British Journal of Politics and International Relations, Political Studies Association*, pp:1-23
- De Bruin R., Simone; Stoop Annerieke; Molema, C. M., Claudia; Vaandrager, Lenneke; Hop, J. W. M., Peter and Baan A., Caroline (2015)
- Dimitrova, V., Daniela; Shehata, Adam (2014) The Effects of Digital Media on Political Knowledge and Participation in Election Campaigns: Evidence From Panel Data, *Communication Research*, Vol 41(1) 95- 118
- Floud, Sarah; Balkwill, Angela; Canoy, Dexter; Reeves K, Gillian; Gaotri, H. (2014), *Popular Participation in Development*. Paris: Unesco
- Lars Olov, Bygren; Gösta, Weissglas; Britt-Maj, Wikström; Boinkum Benson, Konlaan; Andrej; Grijbovski; Ann-Brith, Karlsson; Sven-Olof, Andersson; Michael, Sjöström (2015) Cultural Participation and Health: A Randomized Controlled Trial Among Medical Care Staff, *Communication Research*, 18-42